

مروری بر صنایع دستی سیستان لیلی رئوف ملایری

سیستان

در فرهنگ معین دربارهٔ سیستان چنین آمده است. سیستان (سنگستان، سگزستان، سجستان که از سکه = سکا [نام قومی + ستان (پسوند مکان) تشکیل شده است] نام قدیمی آن زرنگ بود. پس از مهاجرت سکه‌ها (سکا، اسکوت، اسکیت، سیت) در زمان فرهاد دوم اشکانی و اردوان دوم به طرف جنوب گروهی از آنان در زرنگ مستقر شدند. از این زمان زرنگ به نام آنان «سکستان» خوانده شد.

^۱ در برهان قاطع در معنی زرنگ گفته شده است، زرنگ بر وزن خدنگ نام درختی است کوهی که بسیار محکم و سخت می‌باشد و از آن تیر و نیزه و امثال آن سازند نام شهری است که حاکم نشین سیستان بود. ملک الشعراء بهار مصحح تاریخ سیستان در حاشیه همان کتاب توضیح داده است: به عقیده علمای علم لغت سیستان مصحف سکستان است که مملکت سکه‌ها باشد. این سکه‌ها مردمی از عشایر آریایی بودند که بعد از انقراض دولت هخامنشی در حدود ۱۲۰ قبل از میلاد در اوایل عهد اشکانیان وارد آن سرزمین شدند. قبل از آن نام سیستان زرنگا بود و نام شهر زرنگ از آن گرفته شده است. شهر زرنگ فعلاً جزء افغانستان است و در محل آن قریه کوچکی به نام نادعلی قرار ارد. در جنب آن قریه تل بزرگی است و بر فراز آن تل هنوز آثار خرابه‌های ارگ زرنگ و قلعه و باروی آن دیده می‌شود. لفظ زرنگ قدیمی ترین نام سیستان و زاولستان است و در کتیبه داریوش زرنگا آمده است. به عقیده محققین زرنگ و زیره که در زبان اوستایی به معنی دریاست، و دریه در فرس هخامنشی و دریا در پهلوی و دریا به زبان امروزی همه یکی است که مراد دریای زره و یا هامون می‌باشد.^۲

موقعیت جغرافیایی استان سیستان و بلوچستان:

استان سیستان و بلوچستان بین ۲۵ درجه و ۳ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۲۹ دقیقه عرض شمالی و ۵۸ درجه و ۵۱ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۲۰ دقیقه طول شرقی واقع گردیده که از شمال به استان خراسان، از شرق در مرزی به طول ۱۸۰۰ کیلومتر، با کشورهای افغانستان و پاکستان، از مغرب به استان‌های کرمان و هرمزگان و از جنوب با ۳۰۰ کیلومتر نوار ساحلی به دریای عمان محدود می‌شود.^۳

مساحت کل استان ۱۸۷۵۰۲ کیلومتر مربع و مرکز آن زاهدان است.



^۱ - برهان قاطع، جلد دوم صفحات ۱۰۱۶-۱۰۱۷ و حاشیه صفحه ۱۰۱۷- کتاب باستانشناسی و تاریخ بلوچستان دکتر سید منصور سید سجادی

^۲ - تاریخ سیستان حواشی صفحات ۲۱-۲۳ یا اندکی تصرف به تصحیح ملک الشعراء بهار

^۳ - سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان / ۱۳۸۰. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان سیستان و بلوچستان / ۱۳۸۱ ص ۵

جغرافیای تاریخی سیستان:

سیستان سرزمین تقریباً همجواری است که بیشتر از رسوبهای رودخانه هیرمند تشکیل شده است. پائین ترین نقطه آن هامون هیرمند است که همه آبهای منطقه را جمع آوری می‌کند. زمین‌های اطراف دارای شیب ملایم و تقریباً ناپیدا به سمت فرو رفتگی هامون است.^۱

سیستان گرچه از نظر جغرافیایی جزو فلات ایران است ولی از نظر سیاسی بخش بیشتر آن جزء افغانستان و بخش کوچکی نیز جزء پاکستان بوده و تنها ۳۶ هزار کیلومتر مربع آن جزء ایران فعلی محسوب می‌شود.^۲

مرکز فعلی سیستان که با توجه به زابلستان قدیم، زابل خوانده می‌شود، در گذشته نصرت آباد یا نصیرآباد و یا شهر سیستان خوانده می‌شود و توسط امیر علم خان سوم خزیجه در اواخر دهه ۱۸۶۰ میلادی نباشد.^۳

از دیگر نقاط سیستان دوست محمد خان و همچنین شهر مه کوه در بخش جنوبی سیستان است که در گذشته شهر مهمی به حساب می‌آمده است.

سیستانی یا سگزی یکی از لهجه‌های مهم زبان فارسی است که مردم سیستان به آن تکلم می‌کنند. گویش سیستانی از گویشهای وابسته به زبان‌های غربی ایرانی و از شاخه جنوبی آن است که به گروه زبانهای هند و ایرانی تعلق دارند.^۴

صنایع دستی در سیستان^۵

لباس و پوشش‌های خاص محلی

خوراک‌های محلی:

کورگی
ستو
چ وکی
تجگی
آچار
کشت زابلی
تاساوی
چنگالی
لندو
پتک

زیورآلات:

تایدوک
تعویذ
چوری

رودوزی:

سیه دوزی
خامه دوزی
اشرفی دوزی
گلدوزی
منبت کاری (منسوخ شده است)

گلیم بافی

بافت ابزار بافی:

حصیر بافی
سبد بافی
توتن

خوراک بافی

قالیبافی

آلات موسیقی:

فیچک
کمون (آرشه)

^۱ - مجتهدزاده، پیروز. ایران مرزدار و مرزهای خاوری ایران. مترجم حمیدرضا ملک محمدی نوری. تهران، ۱۳۷۸ ص ۷۷ و ۷۸

^۲ - مجتهدزاده، همان کتاب، ص ۷۸

^۳ - مجتهدزاده، همان کتاب، ص ۹۶

^۴ - برجسته دلفروز، بهروز. واژه‌نامه ریشه شناسانه و تطبیقی گویش سیستانی. پایان‌نامه فوق‌لیسانس - دانشگاه شیراز، ۱۳۷۲

^۵ - سلطانی، سیما (تدوین و ویرایش) - بانک اطلاعاتی استان سیستان و بلوچستان - زاهدان - سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

استان ۱۳۸۳ - ص ۲۳۰

ساز (سرنا)
دایره (داره)
دهل (دل)
پنچلک

سینه ریز
گوشواره
ماهک

- رودوزی:

با استفاده از نخ‌های سفید و سیاه و رنگی طرح‌هایی بر پارچه می‌دوخته‌اند که انواع مختلف داشته است:

۱- سیه‌دوزی، خامه‌دوزی، اشرفی‌دوزی، گلدوزی^۱

سیه‌دوزی: (منسوخ شده است)

نوعی دوخت و کار روی لبه پائین شلیته‌های زنانه و چاک‌گریبان و دیگر قسمت‌های لباس قدیمی زنان سیستان است که اینک منسوخ شده است.

برای دست‌دوزی از نوعی نخ سیاه استفاده می‌شد که به همین جهت در اصطلاح محلی این نوع دوخت را سیه‌دوزی می‌نامیدند. سیه‌دوزی در انواع تخم‌خربوزه، دندوبرکه، پامرغک، زنجیره، کجکی و دو دکه اجرا می‌شده است.^۲

خامه‌دوزی:

از زیباترین انواع رودوزی است. خامه‌دوزی به ویژه در حاشیه‌ها و یا جلوی لباس مردانه کاربرد داشته است و با اینکه زمینه پارچه سفید است و نخ ابریشم مورد استفاده برای خامه‌دوزی نیز سفید است، لیکن براق بودن نخ و برجسته‌نمایی دوخت خامه‌دوزی را جلوه می‌بخشد.^۳ از خصوصیات خامه‌دوزی دو رو بودن دوخت و موازی بودن آنها است.^۴



^۱- همان کتاب- همان صفحه

^۲- رئیس‌الذاکرین «دهبانی» غلامعلی. کندو، فرهنگ مردم سیستان- مشهد، ناشر: مؤلف- ۱۳۷۰ ص ۳۱

^۳- یعقوبی، حمیده و فاطمه آقا محمدی. سیستان، زاده‌ها مومن- زاهدان- سازمان میراث فرهنگی استان سیستان و بلوچستان- ۱۳۸۰- ص ۲۳

^۴- سلطانی، سیما (تدوین و ویرایش)- بانک اطلاعاتی استان سیستان و بلوچستان- زاهدان- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان- ۱۳۸۳- ص ۲۳۰

اشرفي دوزي:

این نوع از رودوزی‌های سیستان شباهت بسیار زیاد به رودوزی افغانی در پیش سینه لباس مردان دارد. برای دوخت از نخ به نام نخ مفتول که معمولاً سفید است و دارای استحکام زیادی نیز می‌باشد، استفاده می‌کنند. فرم کلی دوخت آن، خشت است. از آنجا که این نوع رودوزی بسیار ظریف بوده و مستلزم صرف وقت زیاد، بیشتر برای البسه بزرگان و اشراف به کار می‌رفته و از این رو اشرفی دوزی خوانده شده است.^۱



گلدوزي:

با نخ رنگی و برای رودوزی روکش بالش، دیوارکوبهای تزئینی و روی جالباسی استفاده می‌شده است. امروزه برای آن از نخ کاموا استفاده می‌کنند. طرح‌های آن گل و بوته و گل‌دان بوده است که ظاهراً پس از حضور افراد سپاه دانش، نقوش انسانی نیز بر آن افزوده شده است.^۲



منبت کاري:

به گفته دکتر سید سجادی قدیمترین نمونه منبت کاری روی چوب در ایران و شاید در جهان، در شهر سوخته یافته شده است.^۳ گویا تا چند سال پیش هنوز درهای خانه‌های روستایی سیستان از چوب گُرگز (نوعی درخت گز) ساخته می‌شد و بر روی آنان با پیاده کردن طرح‌های ساده‌ای چون گل‌های چند پر و

^۱ - یعقوبی، حمیده و فاطمه آقا محمدی، همان کتاب - ص ۲۴-۲۵

^۲ - همان کتاب ص ۲۵-۲۶

^۳ - سید سجادی - راهنمای مختصر آثار باستانی سیستان، زیر چاپ؟

لوزیها و مربع‌های داخل هم به مثبت‌کاری می‌پرداختند. به هر حال این نوع از هنر دستی نیز در حال حاضر از بین رفته است.

گلیم:

گلیم بافی نوعی از بافت است که با تکنیک بافت گلیم انجام می‌گیرد و در سیستان انواع مختلف داشته است و آنچه انواع آن را از یکدیگر متفاوت می‌کرده است، مواد اولیه و دستگاه بافت بوده است. شکل کلی کار در گلیم‌بافی قرار دادن تارها به صورت عمودی و زیرو رو و یکی در میان عبور دادن پودها بوده است.^۱ از بافت گلیم در سیستان تا اوایل قرن چهاردهم هجری (قرن ۲۰ میلادی) شواهدی وجود دارد.^۲ تخت بافت یا گلیم بافت با نام محلی شال، از استثنای‌ترین انواع گلیم در ایران است. اندازه تقریبی آن حدود یک متر است و براساس مواد مصرفی و قطع و اندازه، در موارد مختلف کاربرد دارد.^۳ رنگ شال سیستان، معمولاً تیره است شامل رنگ‌های عنابی و سورمه‌ای و قهوه‌ای و قرمز و مشکی و نقش‌ها عمدتاً یا سفید بافته می‌شود و رنگ زرد به ندرت در بافت شال دیده می‌شود.^۴ از خصوصیات بافت شال در سیستان آن است که در بین نقوشی که با رنگ‌های مختلف بافته می‌شود، فاصله‌ای دیده نمی‌شود و نیازی نیست تا پس از پایان کار با نخ و سوزن نقش‌ها به هم دوخته شوند. شال دارای دو متن است که متن اولیه همان بافت معمولی شال است که مسطح است و سطح دوم برجسته‌تر است و نقوشی است که برجسته‌تر از متن اولیه با تکنیک پیچ بافته می‌شود. بدین ترتیب شال سیستان با برجسته‌نمایی نقوش از زیبایی خاصی بهره می‌برد.^۵ انواع بافته‌های شال به این شرح است:

۱- زیرانداز ۲- کناره ۳- سفره ۴- سفره‌آردی ۵- سجاده ۶- بندک (نواری باریک به اندازه ۵ در ۲ سانتی متر با رنگ‌های شاد که برای بستن قنناق نوزاد استفاده می‌شود) ۷- خورجین ۸- توبره ۹- نمکدان ۱۰- جوال اینهمه شامل شال‌هایی است که با الیاف حیوانی بافته می‌شود. آنچه با الیاف گیاهی می‌شود به ویژه شال پنبه است که هم اکنون صرفاً با نخ‌های کاموا کاربرد دارد. انواع جومن (پارچه‌های سیستانی که با این نوع مواد بافته می‌شده است شامل کشمیر (پارچه‌ای از نخ پنبه‌ای که ضخیم‌تر از معمول است و معمولاً تک رنگ بوده است) خاسه (پارچه‌ای سفید، بسیار نازک و ظریف است و به حریر شبیه است) و ترگاف یا تریاف (پارچه‌ای بسیار محکم که برای لباس و پتومورد استفاده قرار می‌گرفته است، وجه تسمیه این پارچه به دلیل مرطوب بودن تار در زمان چله کشی و بافت پارچه است).^۶



^۱- یعقوبی- همان کتاب، ص ۵۵

^۲- حصوری، علی- فرش سیستان- تهران- فرهنگان- ۱۳۷۱- ص ۴

^۳- یعقوبی- همان کتاب، ص ۵۶-۵۷

^۴- یعقوبی- همان کتاب، ص ۵۶-۵۷

^۵- یعقوبی- همان کتاب، ص ۵۷-۵۸

^۶- یعقوبی، همان کتاب، ص ۷۰ و ۷۱

بافت ابزار با نی:

صنعت بافت سبد و دیگر ابزار زندگی از نی در سیستان، به دلیل وجود نیزارهای هامون قدمت بسیار دارد. اگر چه امروز به دلیل عدم رویش نی در اطراف هامون تنها خولک بافی (پرده بافی) باقی مانده است.^۱ انواع بافته‌های نی به قرار زیر است.

- ۱- حصیر زیر انداز ۲- سبد بافی (سنگورک) ۳- توتن^۲ (قایق‌های کوچک که توپُر و سبک و با استقامت کم است) ۴- خولک بافی (پرده حصیری، تنها نوع نی بافی است که هنوز زنده است).



حصیر بافی:^۲

صنعت حصیر بافی در منطقه سیستان با گویش اصیل بافی (asilbafi) و در منطقه بلوچستان تگرد (tagerd) تلفظ می‌شود، که از نظر نوع ماده با هم تفاوت زیادی دارند. اصیل از ساقه‌های نی ساخته می‌شود و تگرد از برگ درخت خرماي وحشی انحنادار. تولیدات هر دو نوع عبارتند از: سایه‌بان، ظروف مختلف، پرده و ...

اصیل بافی (حصیر بافی) (Asibafi (Hasirbafi)

اصیل بافی واژه‌ای است سیستانی که معادل فارسی آن حصیر بافی است؛ از این هنر دستی سابقاً بعنوان زیرانداز استفاده می‌شده است. امروزه هم در منطقه سیستان کسانی که به آن دسترسی دارند، از آن بعنوان زیرانداز در قسمت زیر فرش استفاده می‌نمایند تا رطوبت زمین به فرشها اثر نکند.

این نوع حصیر از دو گونه مواد اولیه تهیه می‌شده است:

۱) از برگ درخت خرما یا برگ پیش (pish):

برای ساخت حصیر برگ پیشی، ابتدا برگ درخت خرما را به اندازه دلخواه تهیه کرده و سپس آن را داخل آب قرار می‌دهند؛ برگ‌ها آنقدر داخل آب می‌مانند تا رنگ سبز برگ مایل به زرد شود و یا اینکه جهت تسریع کار، برگ‌ها را در آب جوش قرار می‌دهند تا زرد شود و بعد از این مرحله حصیر را می‌بافند.

^۱ همانجا، ص ۷۲ همچنین ن.ک به رحیمی، زمرد- سیمای میراث فرهنگی استان سیستان و بلوچستان، تهران- سازمان میراث فرهنگی کشور- ۱۳۸۱ ص ۶۲

^۲ هدین، سون- کویرهای ایران- ترجمه پرویز رجبی- تهران- ۱۳۵۵ ص ۶۴۹

^۳ پایگاه اینترنتی صنایع دستی استان سیستان و بلوچستان:

(۲) ساخت حصیر از نی بیزار:

در دریاچه هامون علاوه بر نی‌ایکه خوراك داخم است، نی دیگری هم می‌روید که کمی زرد بوده و فاصله بندهای آن دو یا سه برابر نی‌های خوراك دام است. این نی‌ها را جمع‌آوری کرده و آنها را با سر چاقو دو تکه کرده و با چکش چوبی (Kotak کوتک) می‌کوبند تا کمی نرم شده و سپس حصیر را می‌بافند.

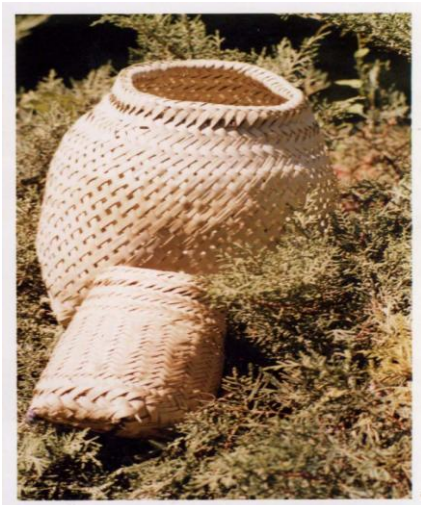
طریقه ساخت حصیر:

چه حصیر از برگ درخت خرما باشد چه از نی، طریقه بافت یکی است در ابتدا سه یا پنج یا هشت عدد نی یا برگ درخت خرما را انتخاب کرده و در جهت طولی به حالت چپ و راست قرار داده و شروع به بافت می‌کنند این عمل تا اتمام کار ادامه دارد. حصیر را به هر شکل که بخواهند می‌توانند ببافند؛ به شکل مربع. امروزه به علت فراوانی زیلوهای پلاستیکی، این صنعت دستی جایگاه خود را از دست داده است؛ عامل دیگر در این میان عدم رویش نی مخصوص حصیر بافی بویژه در هنگام خشکسالی در دریاچه هامون می‌باشد.

عمر يك حصیر به مراتب از زیلو بیشتر و قیمت آن نیز ارزانتر است. علاوه بر این؛ در قسمت زیر حصیر نم زمین خشک می‌شود چون هوا در لابلای آن نفوذ می‌کند، ولی در زیلوی پلاستیکی رطوبت نیز آن جمع شده و محل مورد استفاده بوی رطوبت خواهد داد. لازم به ذکر است که قدمت بافت حصیر در سیستان به بیش از سه هزار سال می‌رسد که اغلب تاریخ‌نویسان به وجود کارگاه‌های فعال حصیر بافی در این منطقه اشاره کرده‌اند. دامداران و صیادان برای ساختن خانه‌های خود از این حصیرها استفاده می‌کرده‌اند و تمام خانه از سقف گرفته تا دیوارهای آن حصیری بوده است؛ بیشتر حاشینه‌نشینان دریاچه هامون با این حرفه آشنائی کامل دارند.

توتن: totan

(قایق گیاهی) از این وسیله برای حمل و نقل بار مسافر استفاده می‌شود. مواد اولیه مورد نیاز جهت ساخت آن گیاه توتنک می‌باشد. البته از نوع توتکی که ساقه ندارد ابتدا گیاه فوق را جمع‌آوری کرده و در محلی می‌گذارند تا کاملاً خشک شود.



خولك بافي

واژه معادل فارسي آن پرده حصيري است. از اين پرده‌ها جهت جلوگیری از تابش نور آفتاب و حشرات موذي به داخل منازل استفاده مي‌شود.



مواد اوليه مورد نیاز خولك نوعي ني دريائي و نخ پنبه مي‌باشد.



قالی:

بي‌شك بافته‌هاي منطقه سيستان تحت تاثير هنر سكاها قرار گرفته است.^۱ به ويژه آنكه قالي پازيريك (سده ۵ و ۶ ق.م) و قالي مكشوفه در حوزه درياي سپاه كه صد سال بيشتر از قالي پازيريك قدمت دارد، هر دو قالي سكاپي هستند^۲ و از آنجا كه قديمي‌ترين قالي‌هاي مكشوفه در جهان مي‌باشند، مي‌توان گفت كه سكاها مخترعين قالي در جهان بوده‌اند. در آغاز دوره اسلامي از محصولات بافندگي سيستان در رديف‌ها و گلیم‌هاي طبرستان و فارس ياد مي‌شده است.^۳ با وجود اين از محصولات كهن سيستان، چه از نظر جنس و فنون و چه از جهت رنگ، نقشه و اندازه‌ها اطلاع موثقي نمونه‌هاي اندكي از قالي كهن سيستاني كه باقي مانده است با گره تركي بافته شده است. حال آنكه هيچگاه سيستان محل اقامت

^۱ - حصوری - علی - فرش سيستان - تهران - فرهنگان - ۱۳۷۱ - ص ۳

^۲ - كهزاد - احمد علی - سیتی‌ها در ماتيكان سيستان - گردآورنده جوادمحمدي خمك - مشهد - واژيران - ۱۳۷۸ - ص ۶

^۳ - حصوری - همان كتاب - ص ۳ به نقل از حدود العالم من المشرق الى المغرب

ترکان نبوده است. پس به نظر می‌رسد که گره ترکی در سیستان اصیل است و ارتباطی به تاثیرگیری از ترکان نداشته است.^۱ به نظر می‌رسد گره ترکی همان گره تورها یا تورانیان است و به عبارت دقیق‌تر گره سکایی است. فنی از شمال ایران که کهنه‌ترین نشانه آن قالی پازیریک است.^۲

دو رنگ مورد علاقه سیستانی‌ها و سکاها باستان، رنگ آبی و سپس زرد است. روی نمونه‌های چندی که از قالی‌های قدیم سیستانی باقی مانده، رنگ زرد نسبتاً رایج است.^۳

در برابر قالی بلوچی که از کهن‌ترین زمانها به رنگ‌های تیره علاقه داشته اند. قالی سیستان روی هم رفته به رنگ‌های روشن تمایل داشته است.

از تمایزات قالی سیستان نسبت به قالی ایرانی، یکی آن است که نقش متن و حاشیه در قالی سیستان تفاوت اساسی ندارد که البته در ایران باستان و نمونه‌های قالی آن، این یکسانی متن و حاشیه دیده شده است.^۴

در آثار مربوط به فرش، تولیدات سیستان به ویژه در پنجاه سال اخیر به دلایل متعدد بلوچی معرفی شده است.^۵

حال آنکه به نظر می‌رسد استقلال نقشه‌ها مایه‌های سیستانی حتی در قالی بلوچی نیز تاثیر گذار بوده است.^۶ اگر چه به تدریج قالی سیستان در قالی بلوچ تحلیل رفته است.^۷ با توجه به اینکه در صد ساله اخیر اخیر بافندگان قالی در سیستان به طور کلی گره ترکی را کنار گذاشته‌اند و به گره فارسی روی آورده‌اند، اینکه وجوه اشتراك قالی سیستم و بلوچ بسیار زیاد است: ۱- فنون ۲- نقش مایه‌ها ۳- اندازه‌ها ۴- نقشه‌ها ۵- رنگ‌ها ۶- ضمایم (گلیمک، ریشه، لوار و غیره)^۸

^۱ - حضوری - همان کتاب - ص ۱۲

^۲ - همانجا، ص ۱۴

^۳ - همانجا، ص ۱۷

^۴ - سلطانی - سیما (تدوین و ویرایش) - بانک اطلاعاتی استان سیستان و بلوچستان - زاهدان - زاهدان - سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان - ۱۳۸۳ - ص ۲۳۴

^۵ - حضوری، فرش سیستان، ص ۲۳ و ۲۵

^۶ - حضوری، فرش سیستان، ص ۲۳ و ۲۵

^۷ - همانجا کتاب ص ۴۵

^۸ - همانجا



۵۰. قالیچه، ۱۳۱۰-۱۳۲۰ ه. ق، بافت آملود (۱۳۲۰)، تاروپود پشم رنگ، دارای گشوداها بهمن و آراسته رنگ گشودا (اصطلاحی برگ شیبانی).



۴۱. قالیچه، ۱۲۰۰-۱۲۲۰، زلف (۴)، بافت خواجهها (جلود ۱۳۳۵)، تار و پود: پشم عاجی، رنگ: گیاهی، دارای عشق زیادی نقش‌مایای فراموش شده.

ساخت آلات موسیقی:

قیچک:

قیچک از سازهای موسیقی کهن ایران است که قدمت آن دست کم به عهد ساسانی می‌رسد و در طاق بستان نمونه‌ای از قیچک زمان ساسانی بر دیوار حکاکی شده است.

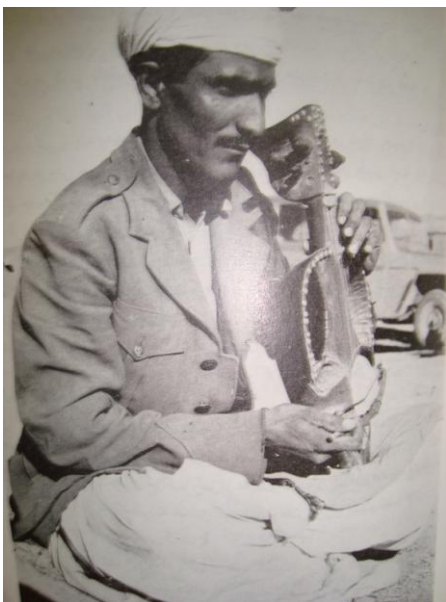
این آلت موسیقی در هند، پاکستان، افغانستان و چین و در مناطق خوزستان، بلوچستان و سیستان نواخته می‌شود. ساختمان آن در سیستان از چوب درخت توت است که غالباً توسط خود نوازنده ساخته می‌شود و تعداد تارهای آن از ۴ تا ۱۲ وتر متغیر است.

طریقه ساخت:

ابتدا فرم کلی ساز را بر روی چوبی می‌کشند و سپس توسط چوکن (قلم، تراش) شکل آن را در می‌آورند و سپس با سوهان‌های دستی آن را جلا می‌دهند.

پس از آن شروع به خالی کردن داخل چوب به وسیله اسکنه

می‌کنند که اندازه‌های متفاوت آن را از ۱۰ تا ۵۰ سانتی‌متر طول دارد. سپس روی آن پوست بزغاله می‌کشند. خرک را در پائین ساز و پیچه (گوشی) را در قسمت بالایی، بسته به تعداد تارهای نصب می‌کنند. تارها را از جنس سیم ویولن انتخاب می‌کنند.



روي ساز مشبك كاري مي كنند كه از نقش و نگارهايي مشابه نقش قالي و گلليم تشكيل شده است و همچنان ساده و هندسي است.^۱

كمونه (آرشه):

از جنس تركه توت و يا گز است و جنس تارهاي آن نيز موي دم اسب مي باشد.^۲

ساز (سرنا):

سازي است از خانواده آلات موسيقي بادي دو زبانه. توسط خود نوازنده سيستاني از شاخ گاو و يا چوب درخت توت، گلابي، گيلاس و زردآلو ساخته مي شود.^۳

براي تزئين ساز سيستان، در قسمت هايي از دور آن از كمندهايي كه از جنس نقره است و روي آن نقوشي سنتي مانند كجكي، گل بُر و آفتابه لگن كار شده است، استفاده مي شود.^۴

دايره (داره):

سازي است از خانواده آلات موسيقي كوبه اي كه به آن دف نيز مي گویند. در سيستان اين ساز تنها سازي است كه توسط زنان ساخته مي شود و کاربردي عمومي تر دارد.

توليد آن بيشتر از هر ساز ديگر است و نواختن آن را تقريباً همگان به ويژه زنان به خوبي مي دانند و در مراسم جشن هاي عروسي و ختنه سوران مورد استفاده قرار مي گيرد.

براي ساخت آن ابتدا چوبي معمولاً از جنس تراشه بيد با ضخامت تقريباً نيم سانتيمتر را در آب مي گذارند تا نرم گيرد و قابل انعطاف شود، سپس آن را به شكل دايره در مي آورند.

هنگامي كه هنوز پوست (معمولاً پوست بز) خيس است، آن را روي دايره مي كشند و با ميخ هاي ريز به ديواره چوبي منتقل مي سازند. داره معمولاً توسط چلي ها (دوره گردها) ساخته مي شود كه امروز كم كم شهرنشين و يكجا نشين شده اند.^۵

دهل (رُل):^۶

دهل همان طبل و يا دبدبه و يا دمامه است و از خانواده سازهاي كوبه اي است كه در ساختمانش پوست به كار رفته است. در سيستان دُل را همراه با ساز (سرنا) مي نوازند. براي ساخت بدنه دُل از چوب بيد و يا بده با ضخامت تقريبي ۵ ميلي متر كه مدتي خيس مانده، استفاده مي كنند.

پس از استوانه اي كردن چوب، بر دو طرف آن پوست مي كشند. پوست معمول امروزي در سيستان، در قسمت راست كه كتك به آن مي خورد، پوست بز نر و در قسمت چپ كه با مضراب نواخته مي شود، پوست بزغاله است.

^۱ - يعقوبي، حميده و فاطمه آقا محمدي - سيستان، زاده هامون - زاهدان - سازمان ميراث فرهنگي استان سيستان و بلوچستان ۱۳۸۰-ص ۸۷ به بعد

^۲ - همان كتاب

^۳ - همان كتاب

^۴ - يعقوبي، حميده و فاطمه آقا محمدي - سيستان، زاده هامون - زاهدان - سازمان ميراث فرهنگي استان سيستان و بلوچستان ۱۳۸۰-ص ۸۷ به بعد

^۵ - همان كتاب، همان صفحات.

^۶ - يعقوبي، حميده و فاطمه آقا محمدي - سيستان، زاده هامون - زاهدان - سازمان ميراث فرهنگي استان سيستان و بلوچستان ۱۳۸۰-ص ۸۷ به بعد

کتک یا چوبی که با آن دل را می‌نوازند از چوبی محکم است که فرمی عصا مانند دارد و برای زیبایی روی آن را با نقوش ساده هندسی منبت کاری می‌کنند.

پنجک:^۱

یا مضراب ترکه‌های نازکی هستند که با نخ به انگشت سبابه و وسطی نوازنده بسته می‌شوند. برای مستحکم شدن پوست و کوکِ دل، دور تا دور استوانه طناب‌هایی می‌بندند که به آنها شوشک می‌گویند و دو به دو به وسیله گرهی آزاد که به آن تنگِ دل به هم وصل شده‌اند.

لباس و پوشش‌های خاص محلی در سیستان:

مردان

لباس مردان آنچنان که در قدیم در سیستان معمول بوده است،^۲ شامل پیراهنی بوده است که چاک گریبان آن بر روی شانه قرار داشته است.

آستینها بلند و گشاد و بدون سر آستین بود و قد این پیراهن بلند و گشاد تا پایین زانو ادامه می‌یافت. دو طرف دامن و پیراهن چاکدار بود که به نام برچاک مصطلح بود.

شلوار مردان که به آن نیز تومو یا تومون می‌گفتند^۳ نیز بلند و پاچه گشاد بود، گشادی پاچه‌ها از بالا به پایین در یک اندازه ثابت برش می‌خورد. بند شلوار از قیطان‌های محکم دست‌باف تهیه می‌شد. گاه بر روی پیراهن یک ستره یا باسکت کورکی و یا تهیه شده از پشم شتر در بر می‌کردند و گاه نیز قبای بلند یا نیم تنه می‌پوشیدند. غالباً در هنگام کار، شالی به دور کمر می‌بستند.

مردان هرگز سر برهنه ظاهر نمی‌شدند. غالباً کلاه‌های از جنس پشم و یا کورک بر سر می‌نهادند.^۴ کلاه مردان در خانه عرفچین نام داشت و از جنس پارچه نخی تهیه می‌شد که کناره‌های آن به شکل دندان‌های دست‌دوزی می‌شد. فقط شرکت در مجالس و یا خروج از ده، بر روی کلاه دستاری می‌بستند که با شال امروزی به روش پاکستانی، هندی و یا بلوچی متفاوت بود. این شال یا عمامه را لونگوته می‌نامیدند و یک سر آن را از پشت گردن تا کمر آویزان می‌کردند و سر دیگر را طوری گره می‌زدند که ۱۰ تا ۱۵ سانتیمتر روی گوش راست آویزان شود.^۵

کفش مردان بر سه گونه بود: جوتی، چیت و پوتین.

جوتی: عبارت از یک کفی ضخیم چرمی بود که با رشته‌های چرم و یا نخ تهیه شده از موی بز به پای آدمی مهار می‌شد.

چیت: در ابتدا از چرم و در این اواخر از لاستیک تهیه می‌شد و مانند کفش تابستانی دوخته می‌شد.

پوتین: کفش بز می و رزمی مردان را تشکیل می‌داد و البته مردان مرفه قادر به تهیه آن بودند.^۶

^۱ - همان کتاب، همان صفحات

^۲ - رئیس‌الذاکرین «دهبانی» غلامعلی - کندو - فرهنگ مردم سیستان، مشهد، ناشر: مولف، ۱۳۷۰ ص ۳۰ و ۳۱

^۳ - افشار سیستانی، ایرج، سیستان نامه - ج ۲ - تهران، ناشر: مولف، ۱۳۶۹، ص ۱۳۰۷

^۴ - یعقوبی، حمیده و فاطمه آقا محمدی - سیستان، زاده هامون - زاهدان - سازمان میراث فرهنگی استان سیستان و بلوچستان ۱۳۸۰ - ص ۱۵.

^۵ - افشار سیستانی، همان کتاب، ص ۱۳۰۸. همچنین ن.ک به خمره، غلامعلی و دیگران. جاذبه‌های سیاحتی و توریستی - زابل،

دانشگاه زابل ۱۳۸۰ ص ۲۵

^۶ - رئیس‌الذاکرین، غلامعلی - زاهدان - اداره کل ارشاد اسلامی سیستان و بلوچستان، ۱۳۶۲ ص ۳۱

جنس لباس مردان در قدیم از پنبه بود که روستائیان از پارچه‌ای خود بافت به نام جومه که بادستگاهی به نام «دسته مه‌کو» بافته می‌شد، تهیه می‌کردند. از نوعی پیراهن مردانه دیگر نیز یاد شده است که ظاهراً امروزی‌تر است و کوتاه‌تر و تنگ‌تر از نمونه قدیمی است.^۱

همچنین از یک نوع پیراهن که از پارچه سفید تهیه می‌شد، یاد شده که مخصوص رقص بود و تریزه نام داشت. برای جلوه آن در رقص، قسمت پائین پیراهن، یکسره چهل تیکه دوزی می‌شد.^۲ در این نوع، لباس از کمر چین می‌خورده است.^۳ نوعی پیراهن نیز وجود داشته است که به آن دویوچکی می‌گفته‌اند و آن با گشادی معمولی دوخته می‌شده و بلندی آن به زیر زانو می‌رسیده است. شلوار راسته و بدون چین دوخته می‌شده است.^۴

زنان

آنچه زنان سیستان در قدیم می‌پوشیدند و امروزه نیز گاه می‌پوشند، پیراهنی گشاد و پر چاک دار اما نه چندان بلند بود با آستین‌هایی که به وسیله سرآستینهای دست دوزی شده تنگ‌تر می‌شد.^۵ لباس زنان با نوعی سوزن دوزی که در حاشیه یقه و سر آستینهای لباس به کار می‌رفت و در محل به آن «سیم‌دوزی» می‌گفتند، تزئین می‌شد.^۶

شلوار زنانه شلیته بود که در واقع دامن پر چین امروزی محسوب می‌شود، گاه از سه تخته و یا چهار تخته و به عبارتی از ۷ تا ۶ متر پارچه تشکیل می‌شد. در زیر شلیته، شلیته‌ای دیگر با مرغوبیت کمتر می‌پوشیدند که به آن زیر جامه می‌گفتند. برخی زنان مرفه تا سر شلیته یا تومون روی هم می‌پوشیدند.^۷ بر روی پیراهن گاه باسکت (جلیقه) زنانه و زمانی ارخالق می‌پوشیدند. ارخالق چیزی مانند مانتوهای نازک کنونی بود که غالباً از پارچه ارغوانی رنگ استفاده می‌شد. زنان مرفه در زمستان از یل یاکت‌های چرمه‌دار و قزل لاله‌دار استفاده می‌کردند.

پتی، دستمال مشکی رنگی بود که به سر می‌بستند و به آن دستمال نیز می‌گفتند و آن را گاه با نخ‌هایی به رنگ سبز و قرمز حاشیه دوزی می‌کردند.^۸ دستمال چهارگوش بوده است و زنان آن را دولا کرده و به صورت سه گوش در می‌آوردند و آن را در جلوی پیشانی گره می‌زدند.^۹

چادر زنان از پارچه دستباف محلی و از جنس پنبه و ابریشم تهیه می‌شد و شامل دو نوع چادر نماز بود که امروز برای بستن رختخواب از آن نمونه پارچه استفاده می‌کنند. نوع همگانی و نامرغوب تر آن که چهار خانه‌های درشت داشت جاوند (جابند) نامیده می‌شد و نوع دیگر که مختص اعیان بود از چهارخانه‌های ریز

^۱ - افشار سیستانی، همان کتاب، ص ۱۳۰۸

^۲ - خمر، همان کتاب، ص ۲۵

^۳ - رحیمی، زمرد. سیمای میراث فرهنگی استان سیستان و بلوچستان - تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور- ۱۳۸۱ ص ۵۲

^۴ - یعقوبی، همان کتاب، ص ۱۶

^۵ - رئیس‌الذاکرین، همان کتاب، ص ۳۱

^۶ - رحیمی، همان کتاب، ص ۵۳

^۷ - رئیس‌الذاکرین، همان کتاب، ص ۳۲

^۸ - خمر، همان کتاب، ص ۲۶

^۹ - یعقوبی، سیستان، زاده هامون، ص ۱۸

تشکیل می‌شد و در آن ابریشم بکار می‌رفت. با کاربرد ابریشم بیشتر در جنس پارچه چادر، نام آن به چادر کیش تغییر می‌یافت.^۱

رنگ‌های بکار رفته در جاوند آبی، قرمز، مشکی و یا قهوه‌ای بوده است.^۲ کفش زنان بیشتر از نوع نعلین‌های تخت چوبی است که رویه چرمی داشتند، اما برخی از زنان مرفه از ارسی‌های سرکج و یانوک برگشته استفاده می‌کردند.^۳

پی‌تر: پیراهنی است راسته که قد آن تا نزدیکی زانو بوده و دو چاک در دو طرف داشته و آسیتنه‌های آن مچ داراست و جلوی یقه آن تا روی سینه شکاف دارد. برای تزئین آن از نواردوزی به صورت زیگزاگ و سیاه دوزی در دور یقه و چاک‌های کناره و دور مچ استفاده می‌کنند.^۴

تمو: زنان سیستانی شلوار گشاد و کوتاهی به تن می‌کردند که تمو نام داشته و گشادی آن به حد ۹ متر پارچه و کوتاهی آن تا زیر زانو بوده است و غالباً برای تهیه آن از پارچه چیت گلدار و پارچه‌های نخ‌ی استفاده می‌شده است.^۵

حلیقه: باسکت: نیم تنه‌ای است که آستین ندارد و معمولاً از پارچه مخمل با رنگ‌های شاد می‌دوختند و یقه آن معمولاً یقه گلابی بوده و جلوی آن چند دکمه و انتهای آن مثلثی است. برای تزئین کناره پائین حلیقه، نواردوزی می‌کردند.^۶



^۱ - رئیس‌الذکرین، همان کتاب، ص ۳۳

^۲ - یعقوبی، همان کتاب، ص ۱۸

^۳ - همانجا، همان صفحه

^۴ - یعقوبی، همان کتاب، ص ۱۹

^۵ - یعقوبی، همان کتاب، ص ۱۹

^۶ - یعقوبی، همان کتاب، ص ۱۹

خوراك‌هاي محلي:

انواع خوراك‌هاي محلي سيستان به شرح زير است:^۱
گوزگي: از گندم تهيه مي‌شود، بدین ترتيب که گندم را بلغور مي‌کنند، سپس با شير مي‌جوشانند تا پخته شود، آنگاه بلغور پخته شده را به درون تگار مي‌گذارند و يك شب روي آن را مي‌پوشانند تا اندکي خمير شود و صبح روز بعد آن را لقمه لقمه مي‌کنند و بر روي پارچه‌اي پهن مي‌کنند و مي‌گذارند تا خشک شود و به تدريج مانند برنج، دم کرده مصرف مي‌کنند.

ستو: جو را قبل از رسيدن، زماني که هنوز سبز است، با آتش کباب مي‌کنند و بعد مي‌گذارند تا خشک شود، سپس با آسیاي دستي آرد مي‌کنند و با شکر مخلوط مي‌کنند و به شکل قوتوي کرمانی مصرف مي‌کنند.

چ ولي: هندوانه محلي بسيار رسیده و شيرين را انتخاب مي‌کنند، پوست آن را جدا مي‌کنند و تمامی محتوای آن را به همراه تخم با دانه‌هاي گندم مي‌جوشانند تا دانه‌هاي گندم کاملاً پخته شود. آنگاه هندوانه و گندم پخته شده را بر روي مجمعه و يا پارچه تميزي پهن مي‌کنند تا کاملاً خشک شود، سپس آن را با آسیاي دستي آرد مي‌کنند و به شکل قوتوي کرمانی مصرف مي‌کنند.

تجگي: گندم را در زمستان زير پارچه نمناکي مي‌گذارند تا جوانه بزند و مرتب آب آن را عوض مي‌کنند که جوانه تلخ نشود، وقتي جوانه‌ها ۲ تا ۴ ميلي‌متر شد، آن را بر روي پارچه تميزي در آفتاب خشک مي‌کنند و سپس با آسیاي دستي آرد مي‌کنند. بدین ترتيب آرد سمنو يا تجگي تهيه شده است. اين آرد را به نسبت ميزان شيريني آن با آرد معمولي مخلوط مي‌کنند. سپس آرد مخلوط را خمير مي‌کنند و درون ديگ که روغن داغ شده دارد مي‌ريزند و در زير دوده مي‌گذارند (دوده عبارت است از انبوه پهن خشک که قبلاً با آتش سوخته باشد و هنوز آتش داغ آن خاموش نشده باشد) چون ديگ در بسته از همه جهت با آتش يا حرارت محاصره شده است، تجگي به طور يکنواخت پخته مي‌شود و به شکل کيک مصرف مي‌گردد.

آچار (ادويه):

گندم را مي‌جوشانند و وقتي پخته شد، آنرا خشک مي‌کنند، آنگاه آنرا آرد کرده با پياز چرخ کرده و خمير مي‌کنند و به مقدار نسبتاً زياد ادويه از قبيل تخم گشنيز، تخم شويد، زيره سياه، زردچوبه و زيره سبز و فلفل سياه با آن مخلوط مي‌کنند و مي‌گذارند تا خشک شود و در طبخ غذا (بيشتر خورش و آبگوشت) به مقدار نصف يا يك چهارم اين گروه را با گوشت سرخ شده مخلوط مي‌کنند و آنگاه آب اضافه مي‌نمايند تا بجوشد و غذا را معطر سازد.

کشک زابلي: براي تهيه آن نيز گندم را مي‌جوشانند و سپس خشک کرده، آرد مي‌کنند. اين آرد را با ماست و يا دوغ خمير مي‌کنند و زردچوبه را به آن اضافه مي‌کنند و ۲۴ تا ۳۶ ساعت آن را گرم نگه مي‌دارند تا تخمير شود و بعد با دست آن را قطعه قطعه مي‌کنند و بر روي پارچه تميزي پهن مي‌کنند تا خشک شود. پس از خشک شدن کشک حاصل به حالت دانه دانه در مي‌آيد و شور ي و يا کم نمکي آن بسته به نوع سلیقه تهيه کننده آن است. هر خانواده سيستاني به ميزان مورد نیاز سالیانه خود کشک تهيه مي‌کند و به تدريج مصرف مي‌کند. براي طبخ آن مقداري کشک را در روغن داغ يا پياز داغ ريخته کاملاً به هم مي‌زنند تا به خوبی سرخ شود، سپس آب اضافه مي‌کنند و مي‌گذارند به جوش آید، آنگاه کشک به صورت يك سوپ غليظ قابل مصرف است.

^۱ - رئيس‌الذاکرين «دهبانی» غلامعلی - کندو - فرهنگ مردم سيستان - تهران، ناشر: مولف - ۱۳۷۰ ص ۱۳۳ تا ۱۳۴

تاس آوي (تاساوي):

همان کاچي است که برای زنان زائو تهیه می‌کنند، دارچین، زنجبیل، تخم قرنفل، تخم رازیانه یا بادیان و برخی دانه‌های گرم‌زای دیگر در روغن حیوانی سرخ می‌شود و نبات کوبیده را به مقدار کافی در آب گرم حل کرده، به آن اضافه می‌کنند و برای لعاب آن به هنگام سرخ کردن روغن اندکی آرد به آن اضافه می‌کنند تا به همراه روغن و ادویه سرخ و برشته شود، محلول غلیظ نبات را به آن اضافه می‌کنند و می‌گذارند تا بجوشد، آنگاه آماده مصرف است.

چنگالي:

اولین بار که از گندم سال نو، نان می‌پزند، به عنوان نان نو، یا نان نوبرانه چنگالی تهیه می‌کنند. نان نوي طبخ شده را گرماگرم تکه می‌کنند و روغن حیوانی به آن می‌ریزند و بر رویش شکر می‌ریزند و با دست چنگ می‌زنند تا کاملاً به هم آمیخته شود، آنگاه اعضاء خانواده آن را می‌خورند به امید آنکه تا پایان سال نان خوش از گلویشان پائین رود.

کندو: خرماي نرم و شیره‌دار را بی هسته می‌کنند و گندم و گنجد را برشته می‌کنند، گرما گرم بر روی خرما می‌ریزند، آنگاه بادست چنگ زده و با هم مخلوط می‌کنند و بعد به شکل گلوله‌های کوچک در آورده و مصرف می‌کنند.

پتک (پَ تَک):

هنگامی که بره متولد می‌شود، جفت و پوششی که بره در آن واقع بوده است نیز خارج می‌گردد. چوپانان پرده پوشش را به دقت جدا کرده در درون آن شیر میش تازه‌زا را که حالت آقوز دارد، می‌دوشند و سر و ته آن را بسته بر روی آتش می‌پزند و این معجون پخته شده را با نام پتک تناول می‌کنند.

زیورآلات^۱:

تایدوک (قاب قرآن) Taidok

زیورآلاتی است از جنس طلا به شکل مکعب مستطیل در اندازه حدوداً ۲۷×۳۰mm که بر روی آن بوسیله حلقه (کد) و دانه‌های طلایی تزئین می‌کنند.

این زیور در ابتدا برای قراردادن آیات و دعا به کار می‌رفته، ولی امروزه تنها بعنوان یک زیور و معمولاً با دُر مورد استفاده قرار می‌گیرد. پنج تاك به وسیله حلقه‌هایی به قسمت انتهایی تایدوک متصل می‌شود دو حلقه به منظور آویختن بر دو گوشه بالای این قاب تعبیه شده است. زمینه کار با خطوط منحنی تزئین شده و حاشیه کناری با دانه‌های گلها تزئین شده که در وسط بیضی تعبیه شده نگین درشتی را قرار می‌دهند.



^۱ - سازمان میراث فرهنگی استان سیستان و بلوچستان http://CHHT_Sb.ir

تعویذ^۱ (Taviz)

فرم ظاهری تعویذ بدین شکل می باشد که یک حجم مستطیل در مرکز می باشد و دو حجم استوانه‌ای در دو طرف حجم مرکزی می باشند (البته متذکر شده که فرم ظاهری تعویذ بستگی به ذوق و طرح مورد اجراء سازنده دارد) حجم و فرم تعویذ متغیر می باشد. همچنین اندازه ظاهری آن با توجه به استفاده تعویذ مشخص می گردد. که بعضاً تعویذ را به بازو و یا به گردن می اندازند. در داخل استوانه‌های کناری دعای نوشته شده را می گذارند و توسط دو حلقه کناری استوانه‌ها با نخ بدور بازو می بندند.

چوری^۲ (Curi)

چوری نوعی انگو می باشد که به فرم دستبند ساخته می شود. طریق ساخت آن از طریق کوبیدن در قالب می باشد. طول آن بلندتر از انگو است. به صورتی که طول بعضی از آنها ۱۰ سانتی‌متر و یا بیشتر می باشد که به قسمت‌های ۲ و یا ۳ ردیفه تقسیم می شوند. در نقوش یک نواختی بر روی آنها حک شده است. در قسمت اتصال حلقه یا دایره استوانه‌ای شکل چوری بست‌هایی وجود دارد که داخل یکدیگر رفته که باعث بسته و قفل شدن دو طرف دیواره استوانه به یکدیگر می گردد. بست‌های بکار رفته در چوری مانند لولا عمل می کند و خود آنها نیز استوانه‌های توخالی هستند که توسط پین بلندی که از بالا داخل تمامی آنها جای می گیرد پین توسط یک رشته زنجیر به چوری متصل می باشد.

سینه ریز طلائی سیستانی

این نوع زیور مخصوص زنان منطقه سیستان بوده و نمونه بازسازی شده نوع قدیمی آن می باشد جنس آن از طلا بوده و نگین‌های زمرد در آن بکار رفته. فرم کلی زیور به این صورت است که از کنار هم قرار گرفتن آویزه‌هایی که هر کدام به یک نگین زمرد ختم شده رشته سینه ریز را تشکیل داده است. نگین آویزه‌ها از دو طرف سینه ریز به طرف داخل درشت‌تر شده تا به نگین وسط که نسبتاً درشت‌تر از بقیه نگینها می باشد.

سینه ریز سیستانی

استفاده از این زیور در منطقه سیستان معمول است. جنس آن از طلا و به وسیله نگین‌های فیروزه و زمرد تزیین یافته است.

شمسه وسط سینه ریز در واقع از ملحقات ماهک (یک نوع زیور قدیمی زنان سیستانی) بوده که در این نمونه به وسیله چهار سکه پهلوی و آویزه‌هایی ده فرم ماهی به این صورت تزیین شده است که مابین هر یک از آویزه‌ها یک سکه آویخته شده است. به هر یک از آویزه‌ها یک سکه احمدشاهی متصل می باشد. در وسط چهار سکه پهلوی، یک ششمه با تک نگین فیروزه قرار گرفته که به آن ششمه بزرگتری آویخته شده است.

نقش‌های روی ششمه بزرگتر به صورت قالبی تهیه شده و در چهار جهت آن یک نگین فیروزه قرار گرفته است. در وسط ششمه یک نگین اشک مانند نمایان می باشد. آویزه‌هایی دایره شکل که نقش گل‌های هشت پر را داشته و در قالب تهیه شده به صورت متوالی به ششمه آویخته شده است

^۱- تعویذ آنچه در عوالم و آیات قرآنی و جو آن نوشته جهت حصول مقصد و دفع بلاها با خود دارند. مجازاً به معنی آنچه از ادعیه با اعداد اسمای الهی نوشته در گلو و با رویندند. جهت پناه دادن از بلیات در زمان قدیم همچون گوشواره و گردن بند و

سنگ‌های گرانبهایی که دارای علامات و قوه موهومات بود استعمال می شد. لغت‌نامه دهخدا

^۲- چوری بازوبند و دستبند ص ۲۸۲ دهخدا



گوشواره های سنتی زنان سیستان

متداولترین انواع آن عبارتند:

- ۱- گوشواره کج کولی (کشکولی یا تختکی)
 - تختکی دانه دار
 - تختکی شرابه دار
- ۲- گوشواره ماهکی
- ۳- گوشواره احمد شاهي

گوشواره کشکولی

جنس این نوع زیورآلات بستگی به وضع اقتصادی خانواده داشته که به این صورت که به ترتیب از جنس مس و نقره و طلا بوده. خانواده ای که با سطح درآمد پایین از زیورآلات مسی استفاده می کنند و سطح متوسط از زیورآلات نقره ای و سطح درآمد از طلا استفاده می کردند ولی در حال حاضر این نوع زیور تماماً از جنس طلا می باشد.

همان طور که از شکل این زیور مشخص است فرم آن به صورت کشکول می باشد که سطح این کشکول به صورت ملیله کاری تزئین یافته حاشیه ای جناقی شکل دور تا دور فرم کشکول مانند را احاطه کرده است. حاشیه خارجی گوشواره این طور تزئین شده که ابتدا یک ردیف دانه های نقره در محیط نیم دایره لحیم شده و سپس ما بین هر دو دانه یک دانه روی آن قرار می گیرد که در پایان به صورت گل های سه پر (شبدری) تزئین می یابد.

در قسمت بالای کشکول مفتول هلالی شکلی تعبیه شده که داخل لاله گوش قرار می گیرد. لازم به ذکر است به خاطر فرم کشکول مانند گوشواره اصطلاحاً به نام کج کولی هم گفته می شود. در نوع گوشواره کشکولی تختکی دانه دار داخل مفتول هلالی شکل که داخل لاله گوش قرار می گیرد مفتول نازک نقره یا طلا که دیگری قبلاً دور کدی پیچ پیچیده شده و به صورت ماریچ درآمده و به صورت دانه های ماریچ مانند در دو طرف مفتول قرار می گیرد. در داخل مفتول پیچیده شده به همین بعنوان گوشواره تختکی دانه دار معروف می باشد.

گوشواره کشکولی (تختکی) شرابه دار هم مانند همان گوشواره تختکی دانه دار می باشد با این تفاوت که در این نوع گوشواره دیگر مفتول فلزی ماریچ بکار نمی رود و در قسمت پایین کشکول آویزهایی به صورت شرابه به گوشواره متصل می باشد و به عنوان گوشواره کجکولی (تختکی) شرابه دار معروف می باشد.

گوشواره ماهکی

در این نوع گوشواره ورقه طلا به شکل هلال ماه کوچک برش زده شده و بعد مفتول نیم دایره ای جهت قرار گرفتن در داخل لاله گوش به دو سر هلال وصل می شود. نقش اندازی روی ورقه طلا یا به وسیله قالب انجام می شود و یا وسط این هلال را به صورت ملیله کاری تزئین می کنند.

گوشواره احمدشاهی

همانطور که از نام این گوشواره مشخص است به پشت سکه احمدشاهی مفتولی خمیده لحیم می کنند تا درون لاله گوش قرار گیرد و به عنوان گوشواره احمدشاهی مورد استفاده داشته است.

گوشواره

این نوع گوشواره مخصوص زنان منطقه سیستان بوده و در واقع نمونه بازسازی شده از روی نوع قدیمی آن می باشد فرم کلی آن به این صورت است که در بالای گوشواره بعد از دایره طلایی کوچکی که وسط آن یک نگین فیروزه قرار گرفته شکل هلال ماه کوچک را می توان مشاهده کرد. داخل این هلال کوچک میلیه کاری شده و در وسط این هلال یک نگین فیروزه تعبیه شده است. جهت تزئین بیشتر دور تا دور هلال توسط دانه های کروی شکل طلایی و در فواصل مساوی به فرم دانه های شبدر مزین شده است.

یک نگین نسبتاً درشت زمرد که به صورت اشک در داخل قاب طلایی قرار گرفته از وسط هلال آویخته می باشد. لازم به ذکر است بنا به گفته دارنده این زیور در نمونه قدیمی این گوشواره به جای این نگین اشک مانند طرح قدیمی دست و دلبر از طرح های قدیمی بوده که در زیور آلات زنان سیستانی بکار می رفته است.

به دو سر هلال کوچک و نگین اشک مانند زمرد آویزهایی از جنس مروارید و فیروزه متصل می باشد که باعث تزئین بیشتر گوشواره شده است.

گوشواره

استفاده از این نوع گوشواره در منطقه سیستان رایج بوده و از زیور آلات قدیمی زنان سیستانی به شمار می آید و جنس آن از نقره است.

فرم اصلی گوشواره تشکیل شده از یک نیم کره که در قالب روی آن نقش اندازی شده است. دور تا دور محیط این نیم کره آویزهایی متصل می باشد که انتهای آویزها به یک برگ ختم می شود و روی هر برگ نقش انداخته است.

در قسمت بالای نیم کره فرم یک گل ۶ پر که هر پر آن توسط یک نگین تزئین یافته مشاهده می شود. این گل ۶ پر به حلقه ای که در داخل گوش قرار می گیرد متصل می باشد.

ماهک

استفاده از این زیور در منطقه سیستان معمول بوده و جنس آن از طلا بوده و روی آن توسط نگین های فیروزه و یاقوت تزئین شده است. زنان سیستانی از این نوع زیور به عنوان سینه ریز استفاده می کنند طرز ساخت این نوع زیور به این صورت بوده که ورقه طلا را به شکل هلال ماه کوچک برش زده، حاشیه بیرونی ماهک توسط دانه های نسبتاً درشت طلا به این ترتیب تزئین یافته که بر روی هر جفت از دانه های طلا که کنار یکدیگر قرار گرفته یک دانه برای شکل طلا ما بین یک جفت دانه طلا گذاشته شده است. حاشیه داخلی ماهک توسط یک ردیف دانه های کروی شکل طلا که به صورت متوالی دور تا دور ماهک را احاطه کرده اند تزئین یافته است.

گل و برگ هایی که در داخل این حاشیه نقش بسته به صورت قالبی ایجاد شده و نگین های فیروزه و یاقوت باعث تزئین بیشتر آن شده است.

شرابه هایی که از این زیور آویخته می باشد به شکل ماهی بوده که به صورت قالبی تهیه شده و به انتهای هر یک از آنها یک سکه احمدشاهی متصل شده است.

دقیقاً حد وسط شرابه ها یک گل هشت پر با نگین فیروزه نقش شده که دور تا دور آن توسط قلعه ای از طلا به شکل هلال ماه آن را احاطه کرده و روی آن با نگین های فیروزه و یاقوت که به صورت متوالی کنار هم قرار گرفته تزئین شده است. در ضمن به این هلال طلا سکه های احمدشاهی نیز متصل می باشد.

همانطور که در تصویر مشاهده می شود جهت استفاده زیور در پشت ماهک مفتول های بلندی دور تا دور ماهک را احاطه کرده که باعث استحکام بیشتر ماهک شده است.



منابع :

- برهان قاطع جلد دوم
- بهار ملک الشعراء، تاریخ سیستان
- سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، سازمان مدیریت و برنامه ریزی- ۱۳۸۰
- مجتهدزاده پرویز، ایران مرزدار و مرزهای خاوری ایران- ۱۳۷۸
- سلطانی سیما، بانک اطلاعاتی اسات سیستان و بلوچستان، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان- ۱۳۸۳
- رئیس الذاکرین «دهبانی» غلامعلی، فرهنگ مردم سیتان، نشر ولف - ۱۳۸۰
- سیستان زاده هامون، سازمان میراث فرهنگی و استان سیستان و بلوچستان- ۱۳۸۰
- حصوری، علی، فرش سیستان، تهران فرهنگان- ۱۳۷۱
- سایت سازمان میراث فرهنگی و گردشگری سیستان و بلوچستان http://CHHT_SB.ir
- پایگاه اینترنتی صنایع دستی استان سیستان و بلوچستان www.dochebaloch.persianlog.ir
- www.zahedanhandicraft.com
- رحیمی زمرد، سیما میراث فرهنگی استان سیستان و بلوچستان، سازمان میراث فرهنگی- ۱۳۸۱
- کهزاد احمدعلی، سیتی ها در ماتیکان سیستان، واژیران- ۱۳۷۸
- هدین سون ، کوبرهای ایران، ترجمه پرویز رحیمی-